

Research Paper

US-China Trade War: Its Causes and Consequences



*Mojgan Ghorbani¹

1. Ph.D.Student, Department of International Relations, Faculty of Humanites, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Ghorbani M. (2020). [US-China Trade war: Its Causes and Consequences (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 10(35), 134-155.



Received: 06 Apr 1399

Accepted: 21 Jul 2020

Available Online: 21 Sep 2020

Key words:

Trade war, Tariff increase,
China, USA, Trade deficit

ABSTRACT

The global economy has witnessed a complex and wide-ranging trade war between China and the United States since January 2018, and has now turned into a technology war with the sanctions on Huawei and ZTE companies. The US trade war with China is a zero-sum game with no winners and severely damage both sides. So the question is, why did the U.S. start a trade war against China, and what are the consequences of this trade war? The US trade deficit with China and the competition for dominance in the global economy is one of the reasons for this trade war, which, if continued and intensified, will reduce the growth of world trade and create two US- and China-centered economic blocs. The purpose of this study is to show that China's growth in recent years, especially after joining the World Trade Organization, has led the U.S to mention China as a strategic rival in its National Security Strategy document, and see it as a threat to US dominance in the global economy; hence, with the trade war against China, U.S is trying to curb China's growth.

* Corresponding Author:

Mojgan Ghorbani, PhD. Student.

Address: Department of International Relations, Faculty of Humanites, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran.

E-mail: mojanghorbani@modares.ac.ir

مقاله پژوهشی جنگ تجاری آمریکا و چین: علل و پیامدهای آن

*مژگان قربانی^۱

۱. دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

اقتصاد جهانی از ژانویه سال ۲۰۱۸ شاهد وقوع جنگ تجاری بین چین و آمریکا بوده است که ماهیت پیچیده و گسترده‌ای دارد و اکنون با تحریم شرکت‌های هوآوی و ZTE به جنگ فناوری تبدیل شده است. جنگ تجاری ایالات متحده با چین یک بازی با حاصل جمع صفر است که هیچ برنده‌ای ندارد و به شدت به هر دو طرف آسیب می‌رساند؛ بنابراین سؤالی که مطرح می‌شود این است که به چه دلایلی آمریکا جنگ تجاری علیه چین را آغاز کرده است و پیامدهای این جنگ تجاری چیست؟ کسری تجاری آمریکا با چین و رقابت برای تسلط بر اقتصاد جهانی از دلایل جنگ تجاری است که در صورت تداوم و تشدید، کاهش رشد تجارت جهانی و ایجاد دو بلوک اقتصادی با محوریت آمریکا و چین از پیامدهای آن است. هدف مقاله این است که نشان دهد رشد چین طی سال‌های اخیر مخصوصاً بعد از عضویت در سازمان تجارت جهانی باعث شده است که دولت ترامپ در سند استراتژی امنیت ملی خود از چین به عنوان رقیب استراتژیک یاد کند و آن را تهدیدی برای تسلط آمریکا بر اقتصاد جهانی بداند؛ بنابراین با جنگ تجاری علیه این کشور درصد مهار رشد چین است.

تاریخ دریافت: ۱۸ فروردین ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۳۱ تیر ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: ۳۱ شهریور ۱۳۹۹

کلیدواژه‌ها:

جنگ تجاری، افزایش تفرقه، چین، آمریکا، کسری تجاری

* نویسنده مسئول:

مژگان قربانی

نشانی: تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه روابط بین‌الملل.

پست الکترونیکی: mojanghorbani@modares.ac.ir

www.SID.ir

مقدمه

مضافاً اینکه دولت ترامپ تلاش می‌کند با به‌کارگیری راهکارهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و سایبری، ضمن تحدید قد برافراشتن چین، اجماعی جهانی بین متحدان سنتی خود (اروپا، ژاپن، کره جنوبی و کشورهای حوزه آسه آن) علیه چین ایجاد کند؛ اعمال تعرفه بر کالاهای چینی، درخواست از چین برای تغییر ساختار اقتصادی و عدم دخالت در اقتصاد، اعمال فشار برای اجرایی کردن حقوق مالکیت معنوی، اعزام ناو جنگی به منطقه دریای جنوبی چین و تنگه تایوان، مخالفت آشکار و پنهان با ایده کمربند - راه چین و طرح اتهاماتی علیه این ایده، فروش تسلیحات به تایوان، حمایت از تظاهرات مردمی در هنگ‌کنگ، اعمال فشار به چین در مجامع بین‌المللی و فضای رسانه‌ای در خصوص وضعیت مسلمانان سین‌کیانگ و مطرح کردن اتهامات سایبری به شرکت‌های ZTE و هوآوی از جمله اقدامات صورت‌گرفته از سوی دولت آمریکا است (Zhang & Pu, 2019)؛

بنابراین مقابله با چین تنها معطوف به مسائل تجاری نبوده است، اما به دلیل آنکه اصول تجارت آزاد از سوی دولت ترامپ نه‌تنها در روابط با چین، بلکه در روابط با سایر کشورها نیز دچار چالش شده است، نسبت به سایر مسائل اهمیت بیشتری دارد؛ بنابراین سؤالی که مطرح می‌شود این است که به چه دلایلی آمریکا جنگ تجاری علیه چین را آغاز کرده است و پیامدهای این جنگ تجاری چیست؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت کسری تجاری آمریکا با چین و رقابت برای تسلط بر اقتصاد جهانی از دلایل جنگ تجاری است که در صورت تداوم و تشدید، کاهش رشد تجارت جهانی و ایجاد دو بلوک اقتصادی با محوریت آمریکا و چین از پیامدهای آن محسوب می‌شود.

این پژوهش به روش توصیفی - تبیینی با اتکا به

با گذشت چهار دهه از شروع اصلاحات اقتصادی چین، امروزه پکن با گسترش تجارت و اعمال ایده‌های نوین چون ابتکار یک کمربند - یک جاده که حول محور گسترش ارتباطات با کشورهای آسیایی ایجاد شده است - توانی گسترده را جهت سوق به قدرتی بزرگ یافته است. برآوردها نشان از این دارد که تنها با در نظر گرفتن مقیاس تولید ناخالص داخلی، رشد روزافزون چین تداوم خواهد داشت و در چند دهه آتی از ایالات متحده پیشی خواهد گرفت که این امر در عرصه سیاسی نیز چین را مبدل به بازیگری بانفوذ در حوزه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و در آینده نه چندان دور بین‌المللی خواهد کرد (Lee, 2019).

بنابراین از زمان باراک اوباما سیاست چرخش به سمت آسیا در سیاست خارجی آمریکا مطرح شد که سیاست چین (مبتنی بر «توسعه در سایه») را با مشکلاتی مواجه کرده است. ترامپ نیز در مبارزات انتخابات ریاست جمهوری در نوامبر ۲۰۱۶ شدیدترین انتقادهای چینی‌ها را متهم کرد که مشاغل آمریکایی‌ها را دزدیده‌اند، نرخ یوان را به صورت مصنوعی پایین نگه می‌دارند، حقوق مالکیت معنوی را رعایت نمی‌کنند و برندهای تقلبی بر اجناس خود می‌زنند) را به سیاست تجاری چین در قبال آمریکا وارد کرد که نهایتاً در ۲۰۱۸ منجر به وضع تعرفه‌های گمرکی بر اجناس چینی شد. هدف ترامپ از اتخاذ این سیاست که می‌توان آن را به ملی‌گرایی اقتصادی نیز تعبیر کرد، کاهش جریان ورود کالاهای چینی به آمریکا و در مقابل، تشویق مصرف‌کننده آمریکایی به خرید محصولات ساخت آمریکا است. از نگاه ترامپ، اتخاذ این سیاست می‌تواند بهترین راه برای کاهش کسری تجاری میان آمریکا و چین باشد (Ciuriak, 2018).

چین، محدودیت‌هایی نیز در راستای انتقال فناوری به چین و فعالیت‌های تجاری برخی از شرکت‌های پیشرفته چینی، به‌ویژه هواوی، ایجاد کرده است که درنهایت منجر به تشدید جنگ تجاری و تبدیل آن به جنگ فناوری شده است (Kwan, 2020).

نیالا اقبال خان^۳ در مقاله‌ای با عنوان «جنگ تجارت جهانی و تأثیر آن بر تجارت و رشد: جنگ بین ایالات متحده، چین و اتحادیه اروپا» معتقد است تعرفه‌های اعمال شده از سوی دو کشور ممکن است در کوتاه‌مدت برای محصولات داخلی مزیت رقابتی ایجاد کنند و قیمت‌های آن‌ها پس از اعمال تعرفه‌های سنگین نسبت به کالاهای وارداتی کمتر و حتی باعث ایجاد شغل شود، اما در طولانی‌مدت رشد اقتصادی هر دو کشور سیر نزولی پیدا خواهند کرد (Iqbal Khan, 2019).

دن اشتینبوک^۴ در مقاله «جنگ تجاری ایالات متحده و چین و تأثیرات جهانی آن» اظهار می‌دارد که تنش‌ها و درگیری‌های این دو کشور باعث تضعیف جهانی شدن، تداوم رکود جهانی و رویارویی‌های جدید ژئوپلیتیکی می‌شود. وی پیش‌بینی می‌کند که سیاست‌ها و اقدامات اتخاذ شده از سوی دولت ترامپ نه تنها بر روابط ایالات متحده و چین، بلکه بر دموکراسی آمریکایی و نظم موجود بین‌الملل نیز تأثیرات مخربی بر جای می‌گذارد (Steinbock, 2018).

بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌شود مقالات مذکور یا دلایل جنگ تجاری را بیان کرده‌اند یا تأثیرات آن را مورد کنکاش قرار داده‌اند. اما نویسنده در این مقاله در پی آن است تا ضمن نگاهی جامع‌تر به دلایل جنگ تجاری هم از بُعد سیاسی و هم

داده‌های آماری انجام شده است و اطلاعات مورد نیاز در آن به شیوه کتابخانه‌ای و اینترنتی جمع‌آوری شده‌اند. این نوشتار با هدف درک و آکاوی ریشه‌های تکوین و تداوم جنگ تجاری آمریکا و چین و پیامدهای ناشی از آن ضمن بررسی مفهوم جنگ تجاری، تاریخچه جنگ تجاری به طور کلی و سپس جنگ تجاری بین آمریکا و چین را شرح می‌دهد. درنهایت نیز دلایل جنگ تجاری بین دو کشور و پیامدهای آن برای چین و اقتصاد جهانی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سناریوهای آینده روابط این دو کشور به تصویر کشیده می‌شود.

۱. ادبیات موضوع

یوکان هانگ^۱ در مقاله‌ای با عنوان «تنش‌های اقتصادی ایالات متحده - چین: منشأها و پیامدهای جهانی» بیان می‌کند کسری تجاری دوجانبه و ناعادلانه بودن تجارت و سرمایه‌گذاری چین نسبت به آمریکا از ریشه‌های جنگ تجاری محسوب می‌شود. وی معتقد است فشار بر چین برای دست‌یابی به یک توافق تجاری پایدار با ایالات متحده، پکن را به تقویت اتحادیه‌های منطقه‌ای و توسعه رویکردهای قدرت نرم خود سوق می‌دهد. در این بازی کشورهای آسیای شرقی و اروپا تلاش می‌کنند تا دو قدرت اصلی به توافق دست یابند (Huang, 2019).

شی‌هانگ کوان^۲ در مقاله «جنگ تجاری چین و ایالات متحده: دلایل ریشه‌دار، تغییر تمرکز و چشم‌انداز نامشخص» به این مسئله می‌پردازد که ظهور چین تهدیدی برای هژمونی آمریکا محسوب می‌شود و به همین دلیل است که آمریکا علاوه بر تحمیل تعرفه‌های گمرکی بر محصولات وارداتی

3. Niala Eqbal khan
4. Dan Steinbock

1. Yukon Huang
2. Chi Hung kwan

متوسط و کوچک بعد از آن (مانند هرم) قرار دارند. (Elman & Elman, 2003: 115). ارگانسکی و کوگلر استدلال می‌کنند که توزیع قدرت میان دولت‌ها در تمام اعصار روابط بین‌الملل در نوسان بوده است. آن‌ها ظهور چین و جابه‌جایی قدرت از آمریکا به چین را پیش‌بینی کردند و هشدار دادند که آسیا، غرب را پشت سر خواهد گذاشت (ارگانسکی، ۱۳۴۸: ۵۷۵). بنابراین طبق این نظریه آمریکا بایستی سیاست‌هایی را اتخاذ کند تا هم بتواند موقعیت برتر خود در سلسله‌مراتب بین‌المللی را حفظ کند و هم رشد قدرت چالشگر را مهار کند که جنگ تجاری علیه چین در این چارچوب قابل تحلیل است.

۲-۱. جنگ تجاری: تعریف و قوانین مربوط به آن

قوانین سازمان تجارت جهانی کشورها را ملزم می‌کند تا به طور قابل ملاحظه‌ای همه محدودیت‌های تجاری بین خودشان را حذف کنند ولی در موارد ذیل دولت‌ها مجازند با وضع تعرفه‌های خاص از صنایع داخلی خود حمایت کنند:

الف) زمانی که یک صنعت داخلی در رقابت غیرمنصفانه با یک شرکت خارجی که محصولات خود را با قیمت‌های ساختگی (قیمت‌شکنی و دامپینگ مخرب) به فروش می‌رساند، متضرر می‌شود که اصطلاحاً به آن تجارت غیرمنصفانه می‌گویند یعنی کشوری با اعطای یارانه‌های دولتی به یک محصول موجب ارزان‌تر شدن آن نسبت به تولید سایر کشورها می‌شود.

در این صورت طبق قوانین سازمان تجارت جهانی کشور متضرر از این اقدام‌ها سه گزینه پیش‌رو دارد:

- گزینه اول: شکایتی به سازمان تجارت جهانی تقدیم کند. سازمان تجارت جهانی یا کشور خاطی

اقتصادی، پیامدهای آن را برای چین و اقتصاد جهانی مورد تحلیل قرار دهد و از رهگذر این بررسی چشم‌انداز و سناریوهای پیش‌روی روابط این دو کشور را ترسیم کند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

نظریه‌ای که به بررسی روابط قدرت مسلط کنونی یعنی ایالات متحده و قدرت نوظهور جدید که از پتانسیل زیادی برای دستیابی به مراتب بالای قدرت برخوردار است، یعنی چین پرداخته است، نظریه گذار قدرت است که برای اولین بار در سال ۱۹۵۸ از سوی ارگانسکی^۵ در کتاب «سیاست جهان و سپس در کتابی که وی به همراه جک کوگلر^۶ منتشر کرد، به طور مجدد مطرح شد.

از نظر ارگانسکی مهم‌ترین عامل کسب قدرت از سوی یک کشور در نظام جهانی عواملی مانند سرزمین، جمعیت، رهبران و صنعتی شدن است و کیفیت عوامل مذکور موجب می‌شود تا کشوری از سطح پایین قدرت به سطح بالاتری سوق پیدا کند. با وجود این انتقال قدرت شامل سه مرحله استعداد، رشد و بلوغ قدرت است و در نتیجه فقط کشورهایی می‌توانند مدعی رهبری جهانی و منطقه‌ای باشند که در مجموع مراحل سه‌گانه مذکور امتیازات بالایی داشته باشند (ارگانسکی، ۱۳۴۸: ۳۸۷-۳۹۲).

بنابراین ارگانسکی می‌کوشد تا سیر جایگزینی کشورها به جای یکدیگر در سیاست بین‌الملل را بر اساس دیدگاهی رئالیستی تبیین کند. وی معتقد است که نظم بین‌المللی به صورت سلسله‌مراتبی سازمان یافته است؛ به این صورت که معمولاً یک قدرت مسلط در رأس آن و چندین قدرت بزرگ،

5. Organski
6. Jacek Kugler

کند. به همین دلیل در مورد فولاد، آمریکا به دفاع از امنیت ملی اشاره می‌کند، آنجا که صنعت فولاد به عنوان یک صنعت بومی ارزش قابل ملاحظه‌ای برای کل اقتصاد دارد.

بنابراین جنگ تجاری یعنی یک کشور تعرفه‌های وارداتی را علیه کشور دیگر افزایش می‌دهد. تعرفه عبارت است از مالیات یا عوارضی که بر کالاهای وارد شده به یک کشور تحمیل می‌شود. در واقع یک کشور معمولاً برای محافظت از مشاغل داخلی نسبت به رقابت خارجی، اقدامات حمایت‌گرایانه انجام می‌دهد. حمایت نیز روشی است که برای تعادل کسری تجاری به کار می‌رود و کسری تجاری هنگامی اتفاق می‌افتد که واردات یک کشور از میزان صادرات آن فراتر رود؛ بنابراین اگر یک کشور بعد از انجام تحقیقات متوجه شود که کشور رقیب دارای شیوه‌های تجارت ناعادلانه است، جنگ‌های تجاری می‌توانند آغاز شوند. در این مسیر اتحادیه‌های صنفی داخلی و یا لابیست‌های صنعتی می‌توانند به سیاستمداران فشار بیاورند تا با اعمال تعرفه، کالاهای وارداتی برای مصرف‌کنندگان کمتر جذاب شوند و سیاست‌های بین‌المللی را به سمت یک جنگ تجاری سوق دهند (Iqbal Khan, 2019).

جنگ تجاری که در یک بخش آغاز می‌شود، می‌تواند در بخش‌های دیگر نیز تأثیر بگذارد. به همین ترتیب جنگ تجاری که بین دو کشور آغاز می‌شود، می‌تواند سایر کشورهای را که در ابتدا درگیر جنگ تجاری نبوده‌اند نیز تحت تأثیر قرار دهد.

۲-۲. تاریخچه جنگ تجاری

جنگ تجاری فقط مربوط به جامعه امروز نیست بلکه از زمانی که تجارت بین کشورها شروع شده، وجود داشته است، منتها شکل آن‌ها متفاوت بوده

را متقاعد می‌کند که اعطای یارانه دولتی را متوقف کند و یا به کشور متضرر اجازه می‌دهد تا به نسبت یارانه اعطایی، تعرفه‌ای بر واردات این محصول وضع کند. به عبارت دیگر عوارض موسوم به ضددامپینگ علیه چنین وارداتی اعمال کند.

- گزینه دوم: مذاکره دوجانبه یا چندجانبه کشورها با یکدیگر است تا با حصول تفاهمی، اختلاف تجاری میان آن‌ها حل شود. ممکن است گاهی برای کشاندن طرف خاطی به پای میز مذاکره، کشورها ناچار به اعمال تعرفه وارداتی موقت علیه کالاهای مشمول یارانه دولتی شوند.

- گزینه سوم: زمانی رخ می‌دهد که مسئله از اختلاف تجاری فراتر می‌رود و به تعبیر کارشناسان حوزه تجارت بین‌الملل جنگ تجاری آغاز می‌شود. در جنگ تجاری، دو طرف با پافشاری بر مواضع و خواسته‌های خود راه را بر دست‌یابی به هر توافقی می‌بندند و تنش سیاسی میان آن‌ها افزایش می‌یابد. در این صورت دو طرف به اعمال تعرفه‌های سنگین علیه کالاهای مورد تجارت مابین خود اقدام می‌کنند. همچنین موانع تجاری غیرتعرفه‌ای نیز میان دو طرف تشدید می‌شود. این اقدام به دلیل تسری زیان تجاری از دامنه یک یا چند کالای خاص به محدوده تعداد بیشتری از کالاها موجب افزایش هزینه‌های تجاری دو کشور در عرصه تجارت بین‌الملل می‌شود (Qureshi, 2019: 155).

ب) قوانین سازمان تجارت جهانی به دولت‌های عضو اجازه می‌دهد تا اقدامات دفاعی تجاری را در صورتی اعمال کنند که امنیت ملی آن‌ها تهدید شود؛ بنابراین هم قوانین سازمان تجارت جهانی و هم قانون گسترش تجارت ۱۹۶۲ به دولت آمریکا اجازه می‌دهد تا علیه واردات کالاهایی که امنیت ملی آمریکا را تهدید می‌کند، اقدامات مناسبی را اتخاذ

گرفتند و متعاقباً با دادخواست‌های ضددامپینگ که در سال ۱۹۹۳ توسط شرکت‌های آمریکایی مطرح شده بود، مواجه شدند. برای رفع این موانع، شرکت‌های خودروسازی ژاپنی در آن زمان شروع به تحول و به‌روزرسانی کردند و این محدودیت‌ها به عنوان عامل مهمی برای گسترش تولید جهانی و ارتقای صنعت ژاپن عمل کردند (Chong & Li, 2019).

در این راستا شرکت‌های ژاپنی با سرمایه‌گذاری در ساخت کارخانه‌ها در خارج از کشور یا از طریق سرمایه‌گذاری‌های مشترک با شرکت‌های خارجی شروع به ساخت شبکه‌های تولید جهانی کردند که در نهایت منجر به ایجاد کارخانه تویوتا کنتاکی، کارخانه هوندا اوهایو و کارخانه نیسان تنسی در آمریکا شد. علاوه بر این تویوتا و جنرال موتورز سرمایه‌گذاری مشترکی در کالیفرنیا انجام دادند که بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری مشترک در صنعت خودروسازی ژاپن در آن زمان بود.

یکی دیگر از اقداماتی که توسط شرکت‌های خودروسازی ژاپنی به کار گرفته شد، حرکت به سمت زنجیره ارزش برای تولید خودروهای لوکس با کیفیت بالا بود. این امر نخستین بار توسط سه شرکت بزرگ اتومبیل‌سازی یعنی تویوتا، نیسان و هوندا اجرا شد که به ترتیب مارک‌های لوکس لکسوس، اینفنتی و آکورا را راه‌اندازی کردند که در اواخر دهه ۱۹۸۰ مورد استقبال مصرف‌کنندگان آمریکایی قرار گرفتند (Eaton & Kortum, 2002)؛ بنابراین همان‌گونه که توضیح داده شد، جنگ تجاری بین دو کشور پدیده جدیدی نیست، بلکه در طول تاریخ وجود داشته است.

۲-۳. از تنش تجاری تا جنگ تجاری آمریکا و چین

ایالات متحده از سال ۱۹۹۱ طبق ماده ۳۰۱ قانون تجارت این کشور تحقیقاتی علیه چین

است؛ مثلاً در قرن ۱۷ انگلیس و هلند وارد جنگ برای تسلط بر بازارهای تجاری اروپایی شدند. آن‌ها حتی بر سر حقوق تجارت مستعمرات خود در خارج از کشور با یکدیگر می‌جنگیدند. در دهه ۱۹۳۰ نیز در واکنش به افول اقتصادی جهان، قدرت‌های بزرگ تجاری سعی کردند با اعمال تعرفه‌های مشخص و سایر اقدامات محدودکننده علیه واردات، از صنایع داخلی و فرصت‌های شغلی خود محافظت کنند.

یکی از طولانی‌ترین و گسترده‌ترین درگیری‌های تجاری در تاریخ تجارت مدرن، اختلافات تجاری بین ایالات متحده و ژاپن بود. از دیدگاه اقتصادی، دلایل اصلی جنگ تجاری بین این دو کشور عدم موازنه تجاری بود. علاوه بر آن ژاپن با احیای قدرت ملی خود، به دنبال جایگاه مساوی تری با ایالات متحده در سطح جهان بود که در نهایت منجر به واکنش آمریکا شد (Chong & Li, 2019).

به دلایلی که ذکر شد در اواخر سال ۱۹۷۹ جنگ تجاری بین صنایع خودروسازی ایالات متحده و ژاپن آغاز شد و اعضای اتحادیه کارگران خودروسازی آمریکا به دولت فشار آوردند تا با شرکت‌های خودروسازی ژاپنی - جهت محدود کردن واردات آن‌ها یا انتقال تولید آن‌ها به ایالات متحده - مذاکره کند. از آن زمان به بعد تنش تجاری بین این دو کشور بیش از ۲۰ سال به طول انجامید. صنعت خودروسازی ژاپن در سال ۱۹۸۱ تقاضای ایالات متحده مبنی بر اعمال محدودیت‌های صادراتی داوطلبانه در کالاهایی چون منسوجات، فولاد، تلویزیون‌های رنگی، خودرو و نیمه‌رساناها را پذیرفت که شوک‌های منفی قابل توجهی را برای صنایع داخلی ژاپن به همراه آورد.

در سال ۱۹۸۵ نیز کالاهای ژاپنی تحت تحقیقات ویژه ماده ۳۰۱ قانون تجارت ایالات متحده قرار

دهند که به طور ناعادلانه از شرکت‌های چینی طرفداری می‌کند.

۳. چین از سرمایه‌گذاری در این کشور به منظور دستیابی به فناوری‌های مهم و مالکیت معنوی و انتقال فناوری در حوزه صنایع استفاده می‌کند.

۴. سرانجام، چین از طریق شبکه‌های رایانه‌ای در شرکت‌های آمریکایی دخالت غیرمجاز (یا به نوعی سرقت) می‌کند. این اقدامات دسترسی غیرمجاز دولت چین به مالکیت معنوی، اسرار تجاری یا اطلاعات محرمانه تجاری رافراهم می‌کند و همچنین از اهداف استراتژیک چین از جمله پیشرفت فناوری، نوسازی ارتش و توسعه اقتصادی پشتیبانی می‌کند (Office of the United States Trade Representative, 2018 a).

با توجه به رویکردهای غیرمنصفانه تجاری چین که در این گزارش به آن‌ها اشاره شده است، ترامپ دستورالعملی را امضا کرد که شامل اقدامات زیر است:

۱. اعمال تعرفه بر محصولات چینی؛
۲. تشکیل پرونده در سازمان تجارت جهانی علیه چین؛
۳. محدود کردن سرمایه‌گذاری توسط چین در بخش‌های مهم فناوری (Kwan, 2020).

بنابراین در ۲۳ مارس ۲۰۱۸ وزارت امور بازرگانی آمریکا مراحل حل و فصل اختلافات تحت نظارت سازمان تجارت جهانی را آغاز کرد و به عنوان اولین گام، مذاکرات دوجانبه با چین را درخواست کرد. علاوه بر آن در ۳ آوریل، این وزارت طرحی را برای تحریم اعلام کرد که تعرفه‌های ۲۵ درصدی را برای ۱۳۰۰ کالای وارداتی از چین شامل می‌شد. چین نیز با اعمال تعرفه‌های ۲۵ درصدی بر ۱۰۶ کالای

در حوزه‌های مربوط به حقوق مالکیت معنوی، رویکردهای غیرمنصفانه تجاری و انرژی پاک آغاز کرد. در این تحقیقات هر دو طرف تهدید کردند که از تعرفه‌ها به عنوان ابزاری برای تلافی استفاده می‌کنند. با این حال، درگیری‌های مذکور سرانجام از طریق دیپلماتیک (با از طریق مذاکره و امضای توافقنامه‌های تجاری یا از طریق سازش تحت سازوکار حل اختلاف سازمان تجارت جهانی) برطرف شد (Chong & Li, 2019).

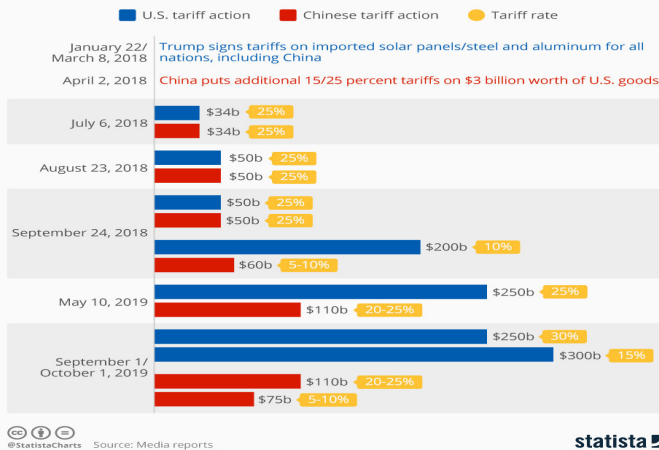
اما دونالد ترامپ بعد از به قدرت رسیدن، در راستای تحقق وعده‌های انتخاباتی خود در آگوست ۲۰۱۷، وزارت امور بازرگانی را ملزم به انجام تحقیقات درباره سیاست‌ها و شیوه‌های مربوط به انتقال فناوری، مالکیت معنوی و نوآوری در چارچوب ماده ۳۰۱ قانون تجارت کرد. گزارش تحقیق که در ۲۲ مارس ۲۰۱۸ منتشر شد، انتقاد تند نسبت به چین بود (Kapustina, Lipková, Silin & Drevalov, 2020). در این گزارش چهار نکته زیر بیان شده بود:

۱. چین از محدودیت‌های مالکیت خارجی از جمله الزامات سرمایه‌گذاری مشترک، محدودیت سهام مشترک و سایر محدودیت‌های سرمایه‌گذاری برای انتقال فناوری از شرکت‌های آمریکایی به نفع اشخاص چینی استفاده می‌کند.

۲. چین محدودیت‌های اساسی را برای سرمایه‌گذاری و فعالیت شرکت‌های آمریکایی از جمله محدودیت در شرایط صدور مجوز فناوری ایجاد می‌کند. این محدودیت‌ها صاحبان فناوری ایالات متحده را از امکان معامله و تعیین شرایط مبتنی بر بازار برای انتقال فناوری محروم می‌کنند. در نتیجه، شرکت‌های آمریکایی که به دنبال مجوز فناوری هستند، باید این کار را با شرایطی انجام

How the U.S.-China Trade War Escalated

Cumulative tariffs between the U.S. and China in 2018/19



تصویر ۱. تعرفه‌های اعمال شده آمریکا و چین

میلیارد دلار با نرخ تعرفه ۱۰ درصد.

کل تعرفه‌های چینی که به طور انحصاری در مورد ایالات متحده اعمال شد بالغ بر ۱۱۰ میلیارد دلار به شرح ذیل است (معادل ۷۰ درصد از واردات چین از آمریکا در سال ۲۰۱۷).

- دو دور اول که جمعاً ۵۰ میلیارد دلار است با نرخ تعرفه ۲۵ درصد؛

- دور سوم ۶۰ میلیارد دلار با نرخ تعرفه ۵ یا ۱۰ درصد (تصویر شماره ۱) (Amadeo, 2020).

در اول دسامبر ۲۰۱۸ در نشست‌هایی که بین دونالد ترامپ و رئیس‌جمهور چین در حاشیه نشست گروه ۲۰ در بوئنوس آیرس برگزار شد، ایالات متحده آمریکا مهلتی ۹۰ روزه (تا ۱ مارس ۲۰۱۹) به چین داد که در این مدت تعرفه‌های دیگری به محصولات چینی وارد نکند. در ۲۴ فوریه ۲۰۱۹، ترامپ اعلام کرد که مهلت آتش‌بس معامله تجاری ۱ مارس را تمدید می‌کند. وی با استناد به پیشرفت در مذاکرات

وارداتی ایالات متحده از جمله سویا و اتومبیل واکنش نشان داد. با توجه به اقدام چینی‌ها که از طرف آمریکا به عنوان یک تلافی غیرقانونی تلقی می‌شد، ترامپ بلافاصله به وزارت امور بازرگانی دستور داد تا بررسی کنند که آیا می‌توان کالاهای وارداتی بیشتری را تحت تعرفه‌های جدید قرار داد یا نه. به این ترتیب اختلاف تجاری بین دو کشور تشدید شد (Office of the United States Trade Representative, 2018 b).

تا سپتامبر سال ۲۰۱۸، سه دور از تعرفه‌ها توسط هر دو طرف اجرا شد. کل تعرفه‌های ایالات متحده که به طور انحصاری در مورد چین اعمال شد، بالغ بر ۲۵۰ میلیارد دلار به شرح ذیل است (معادل حدود نیمی از واردات آمریکا از چین در سال ۲۰۱۷).

- دو دوره اول (۶ ژوئیه و ۲۳ اگوست ۲۰۱۸) بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار با نرخ تعرفه ۲۵ درصد؛

- دور سوم (۲۴ سپتامبر ۲۰۱۸) به ارزش ۲۰۰

هوشمند و پیشرو در فناوری جی ۵ را تهدیدی برای امنیت ملی قلمداد و اذعان کرد دولت چین از آن به عنوان یک بستر جاسوسی استفاده می‌کند (Morell & Kris, 2018)؛ بنابراین این شرکت و شرکت ZTE، دومین تولیدکننده تجهیزات مخابراتی در چین را تحریم کرد (Stafford Powell, Schooli & Hamilton, 2018). دولت ایالات متحده حتی به متحدین خود فشار آورد تا این شرکت‌ها را تحریم کنند که توانست حمایت ژاپن، استرالیا و نیوزلند را به دست آورد؛ بنابراین جنگ تجاری بین چین و آمریکا به جنگ فناوری^۷ تبدیل شد (Kihara & Kajimoto, 2019).

در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۹ در دیدار دونالد ترامپ و شی جین پینگ که در حاشیه نشست گروه ۲۰ در اوزاکا رخ داد، تصمیم گرفته شد که آمریکا برنامه خود را برای اعمال تعرفه‌ها بر واردات چین به ارزش ۳۰۰ میلیارد دلار تحت پوشش دور چهارم به تعویق بیندازد و مذاکرات تجاری سطح بالا به زودی از سر گرفته شود (Huang, 2019). با این حال جنگ تجاری دوباره در اول اوت ۲۰۱۹ تشدید شد؛ هنگامی که رئیس‌جمهور ترامپ از قول خود عقب‌نشینی کرد و اعلام کرد که تعرفه‌های ۱۰ درصد به محصولات، با ارزش ۳۰۰ میلیارد دلار از ۱ سپتامبر ۲۰۱۹ اجرایی شود که اجرای برخی تعرفه‌های جدید بعداً به ۱۵ دسامبر ۲۰۱۹ موکول شد؛ بنابراین چین نیز با اعلام تعرفه‌های خود که ۷۵ میلیارد دلار از کالاهای آمریکایی را در ۱۴ فوریه ۲۰۲۰ پوشش می‌داد، تلافی کرد (Greenwood, 2019).

تجاری، این امیدواری را ایجاد کرد که توافق نهایی برای پایان دادن به جنگ تجاری ممکن است به زودی انجام شود (Xin, 2018).

با این حال این امید خیلی زود از بین رفت؛ مخصوصاً وقتی که ترامپ به طور ناگهانی در تاریخ ۵ مه ۲۰۱۹ اعلام کرد طرحی برای افزایش نرخ تعرفه کالاهای چینی به ارزش ۲۰۰ میلیارد دلار تحت پوشش دور سوم از ۱۰ به ۲۵ درصد را دارد که در ۱۰ مه، هنگامی که مذاکرات سطح بالای اقتصادی و تجاری در واشنگتن در حال انجام بود، اجرا شد. پس از پایان مذاکرات تجاری در آن روز، معاون نخست‌وزیر ليو هو، مذاکره‌کننده اصلی یکن، به جمعی از خبرنگاران گفت که سه موضوع اصلی در اختلاف بین چین و آمریکا وجود دارد: اول، ایالات متحده باید کلیه تعرفه‌های اعمال شده بر کالاهای چین را حذف کند. دوم، اهداف تعیین شده توسط ایالات متحده برای خریدهای چین باید مطابق با خواسته‌های واقعی باشد. سوم، متن هر توافق برای تضمین عزت هر دو ملت باید متعادل باشد (He, Lighthize & Mnuchin, 2019).

در مقابل چین نیز در ۱۳ مه با افزایش نرخ تعرفه کالاهای آمریکایی به ارزش ۶۰ میلیارد دلار تحت پوشش سومین دور، تلافی کرد. در همان روز وزارت امور بازرگانی آمریکا لیست جدیدی از کالاهای چینی‌ها را منتشر کرد که می‌توانستند مشمول افزایش تعرفه ۲۵ درصد (دور چهارم) به ارزش ۳۰۰ میلیارد دلار شوند. این لیست تقریباً تمام واردات باقی‌مانده از چین را که هنوز مشمول تعرفه‌ها نشده بودند، پوشش می‌داد (Swanson & Bradsher, 2019).

بنابراین وزارت بازرگانی ایالات متحده در ۱۵ مه ۲۰۱۹ هوآوی، بزرگ‌ترین شرکت ارائه‌کننده سرویس‌های ارتباطی جهان و دومین سازنده تلفن‌های

7. Tech war

۲-۴. دلایل شکل‌گیری جنگ تجاری بین آمریکا

و چین

همان‌طور که جوزف استیگلیتز^۸، برنده جایزه نوبل اقتصادی اشاره می‌کند: اختلاف شدید تجاری زمانی به وجود می‌آید که کسری حساب یک کشور با شریک تجاری خود بیش از ۱/۵ درصد تولید ناخالص داخلی آن کشور باشد که اگر به بیش از ۲ درصد برسد به اقدامات تلافی‌جویانه از کشوری که دچار کسری شده است، منجر می‌شود؛ در نتیجه اگر مازاد تجاری یک کشور با یک کشور دیگر از ۲۵ تا ۳۰ درصد حجم تجارت آن فراتر رود، این موضوع به یک مسئله سیاسی تبدیل می‌شود (Chong & Li, 2019)؛ بنابراین با توجه گفته جوزف استیگلیتز متوجه می‌شویم که دلایل جنگ تجاری می‌تواند هم بُعد سیاسی و هم اقتصادی داشته باشد.

۲-۴-۱. دلایل سیاسی

طبق نظریه گذار قدرت، عامل سیاسی نهفته در جنگ تجاری دو کشور، رقابت برای تسلط بر اقتصاد جهانی است. در سال‌های اخیر، چین رشدی سریع را تجربه کرده و به یک قدرت اقتصادی بزرگ تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که در حال حاضر حجم تولید چین در رتبه دوم در سراسر جهان قرار دارد.

تا سال ۲۰۰۰ اقتصاد چین تقریباً معادل یک‌دهم تولید ناخالص داخلی ایالات متحده بود، اما بعد از اینکه چین در سال ۲۰۰۱ به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمد، صادرات آن افزایش یافت؛ یعنی سهم این کشور از اقتصاد ایالات متحده بیش از سه برابر شد که از ۱۲ درصد در سال ۲۰۰۰ تا بیش از ۴۰ درصد در سال ۲۰۱۰ را شامل می‌شد (Guo, Lu, Sheng & Yu, 2018).

8. Joseph Stiglitz

مؤسسه گلدمن ساکس برآورد کرده بود که چین در اواخر سال‌های ۲۰۲۰ از ایالات متحده پیشی خواهد گرفت. به همین دلیل ترامپ سیاست جنگ تجاری را برای کنترل و مهار چین و در نتیجه حفظ آمریکا به عنوان قدرت مسلط در عرصه اقتصاد بین‌الملل در پیش گرفت.

علاوه بر آن شی جین پینگ بعد از به قدرت رسیدن در سال ۲۰۱۳ اقدام به پیشنهاد یک کمربند - راه کرد؛ یعنی شبکه‌ای جامع از پروژه‌های زیرساختی جدید که از چین شروع می‌شود و با گذشت از آسیا و اورآسیا تا خاورمیانه و اتحادیه اروپا ادامه پیدا می‌کند. این ابتکار ستون فقرات سیاست‌های خارجی دولت فعلی را تشکیل می‌دهد. شی سپس در سال ۲۰۱۵ یک راهبرد صنعتی ملی فراگیر را امضا کرد که سه گام دارد: تا سال ۲۰۲۵، تا سال ۲۰۳۵ و تا سال ۲۰۴۹ یعنی صدسالگی تشکیل جمهوری خلق چین.

گام اول تا سال ۲۰۲۵: این کشور در نظر دارد به یک «قدرت تولیدی بزرگ» تبدیل شود و وارد مرحله‌ای شود که آن را «احیای تولید چینی» نامیده‌اند. هدف از این راهبرد این است که چین به جای آنکه کارگاه مونتاژ قطعات برای غول‌های خارجی مثل اپل باشد، محصولات خودش را طراحی و تولید کند. در واقع آن‌ها مرحله جدیدی را در توسعه صنعت پیشتاز جهانی خود آغاز کرده‌اند و نهادهای دولتی از عملی شدن روندی حمایت می‌کنند که نوعی عزیمت از «ساخت چین» به «خلق‌شده در چین»، از «سرعت چین» به «کیفیت چین» و از «محصولات چینی» به «برندهای چینی» است. ساخت چین ۲۰۲۵ از راهبرد «صنعت ۴/۰» آلمان الگوبرداری شده که برخی آن را چهارمین انقلاب صنعتی می‌نامند.

منافع آمریکا و سایر کشورها را به خطر می‌اندازد که در این راستا پیتر ناوارو، یکی از مشاوران تجاری ترامپ، اعتراف کرد که تعرفه‌های ماده ۳۰۱ در واقع صنایع مطرح‌شده در پروژه «ساخت چین ۲۰۲۵» را هدف قرار داده است.

علاوه بر این، ترامپ در گزارش استراتژی امنیت ملی که در دسامبر ۲۰۱۷ منتشر شد، تأکید کرد که امنیت اقتصادی پایه و اساس امنیت ملی است و چین و روسیه را رقبای استراتژیک معرفی کرد (The White House, 2017). در حالی که کشور چین در زمان کلینتون به عنوان شریک استراتژیک، در زمان بوش به عنوان ذی‌نفع مسئول، و در زمان اوباما به صورت کشوری با مشارکت مبتنی بر احترام متقابل و همکاری برد - برد در نظر گرفته می‌شد. بنابراین همان‌طور که جفری ساکس به‌درستی اشاره می‌کند: کلید فهم دیدگاه‌های آمریکا این است که معتقد است ایالات متحده باید یک رهبر قدرتمند جهان باشد و دیگران نباید برتری ایالات متحده را به چالش بکشند؛ بنابراین چین صرفاً قربانی تلاش‌های ایالات متحده برای حفظ رهبری خود است (Sachs, 2018).

۲-۴-۲. دلایل اقتصادی

ایالات متحده چندین مشکل را در تجارت با چین مطرح کرده است که مهم‌ترین آن، کسری تراز تجاری است که از قبل وجود داشته و روند رو به افزایشی دارد. از میان ۷۹۶ میلیارد دلار کسری تجاری ایالات متحده در سال ۲۰۱۷، چین ۳۷۶ میلیارد دلار یا تقریباً ۴۷ درصد از آن را به خود اختصاص داده است (Kashyap & Bothra, 2019). آمریکا در سال ۱۹۹۵، ۳۴ میلیارد دلار؛ در سال ۲۰۰۰، ۸۴ میلیارد دلار؛ در سال ۲۰۰۵، ۲۰۲ میلیارد دلار؛ در سال ۲۰۱۰، ۲۷۳ میلیارد دلار؛ در

گام دوم تا سال ۲۰۳۵: رسیدن تولید چین به یک سطح متوسط در میان قدرت‌های تولیدی جهان.

گام سوم تا سال ۲۰۴۹: چین انتظار دارد رهبری قدرت‌های تولیدی جهان را در دست بگیرد (Kwan, 2020).

بنابراین چین با هدف غلبه بر رهبری آمریکا در فناوری سطح بالا^۹ استراتژی موسوم به ساخت چین ۲۰۲۵^{۱۰} را تعریف کرده است. این استراتژی بر اساس توسعه ده بخش کلیدی^{۱۱} صورت می‌گیرد تا چین بتواند خود را به قدرت شماره یک جهان تبدیل کند. تصور آمریکایی‌ها این است که کمپانی‌های چینی با پشتوانه دولتی قادرند تاج علم و فناوری را از سر آن‌ها بردارند (Sachs, 2018).

از این رو طیف گسترده‌ای از برنامه‌های استراتژیک که چین اخیراً اعلام کرده است (از ابتکار کمربند و جاده، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا تا ساخت چین در ۲۰۲۵) از یک طرف باعث تقویت جایگاه چین در زنجیره ارزش جهانی و افزایش نقش چین در حاکمیت بین‌المللی می‌شود و از طرف دیگر باعث تقویت تصویر چین به عنوان تهدیدی برای تسلط جهانی ایالات متحده می‌شود (Yu, 2019).

به همین دلیل وزارت امور بازرگانی ایالات متحده در گزارشی که در مارس ۲۰۱۷ منتشر کرد، از طرح ساخت چین ۲۰۲۵ انتقاد کرد و گفت دولت چین با پشتیبانی مالی از شرکت‌های چینی زمینه‌های تبعیض‌آمیز را فراهم می‌کند حتی دونالد ترامپ نیز به صراحت اظهار کرد که برنامه ساخت چین ۲۰۲۵

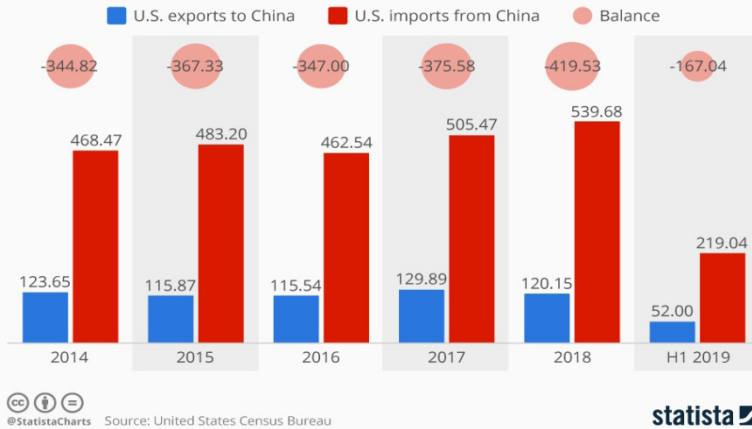
9. Hi-Tech

10. Made in China 2025

۱۱. صنایع هوایی، صنایع دریایی، صنایع راه آهن، خودروهای سبز هیبریدی، صنایع کشاورزی، صنایع دارویی، انرژی‌های بازگشت‌پذیر، مواد های تک، ربات‌های دیجیتالی، فناوری اطلاعات نسل بعدی.

The U.S.-China Trade Deficit is Growing

U.S. trade balance with China from 2014 to July 2019 (in billion U.S. dollars)



تصویر ۲. کسری تجاری آمریکا با چین

۲-۵. پیامدهای جنگ تجاری آمریکا و چین

همان‌طور که اقتصاددانان سازمان ملل هشدار می‌دهند جنگ تجاری ایالات متحده و چین یک وضعیت بازنده - بازنده برای آن‌ها و جهان است که در این بخش به توضیح آن می‌پردازیم.

۲-۵-۱. چین

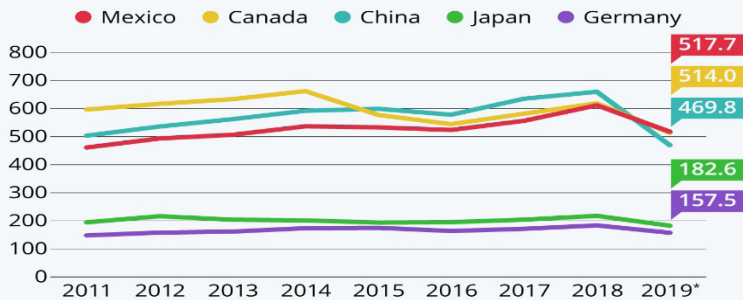
- کاهش حجم تجارت: برای ارزیابی تأثیر جنگ تجاری، ابتدا تأثیرگذاری بر حجم تجارت (واردات و صادرات) بین چین و ایالات متحده را تخمین می‌زنیم. در جنگ تجاری، ایالات متحده تلاش کرد با افزایش تعرفه کالاهای تولیدشده در چین، به صادرات چین حمله کند تا با این عمل کسری تجاری خود را جبران کند، ولی باعث شد چین نیز تعرفه متناسب با واردات آمریکا را اتخاذ کند. با تعرفه‌های بالاتر، کالاهای چینی در بازار آمریکا گران‌تر می‌شوند که در نهایت به سرکوب صادرات

سال ۲۰۱۵، ۳۶۷ میلیارد دلار؛ در سال ۲۰۱۶، ۳۴۷ میلیارد دلار؛ در سال ۲۰۱۷، ۳۷۶ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۸، ۴۱۹ میلیارد دلار در تجارت با چین دچار کسری شده است (تصویر شماره ۲).

عدم تعادل تجاری با چین باعث بروز بحران بدهی ملی و همچنین نارضایتی عمومی در ایالات متحده شده است (Kapustina et al., 2020). به همین دلیل یکی از اولویت‌های اصلی سیاست اقتصادی دونالد ترامپ، کاهش کسری تجاری کشور بود. اهرم مورد استفاده در این امر، افزایش تعرفه‌ها و مذاکره مجدد در توافقات تجاری با چین بود. برای تسریع در اقدامات، ترامپ تجارت با چین را ناعادلانه خواند و از مفاد تهدید امنیت ملی در قوانین سازمان تجارت جهانی استفاده کرد تا برای تصمیمات خود نیازی به تصویب کنگره نداشته باشد. از نظر دولت ترامپ، جنگ تجاری قرار است کسری تجاری دوجانبه را کاهش داده و شغل‌های آمریکایی را به خانه بازگرداند (Tan & Chen, 2019: 216).

China's Trade Volume With U.S. Slips in 2019

Volume of trade with the biggest trading partners of the U.S. (in billion U.S. dollars)



Imports plus Exports

* to date

Source: U.S. Census Bureau

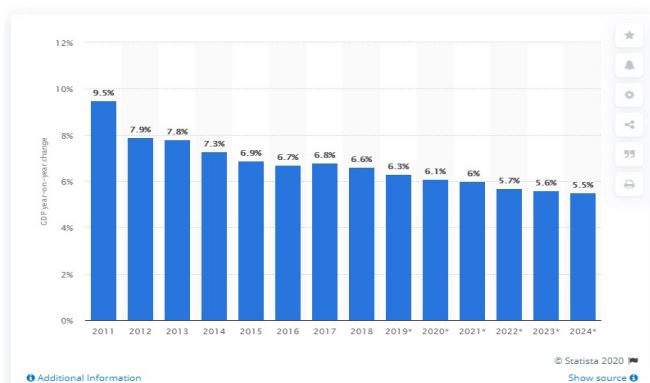


statista

تصویر ۳. حجم تجارت چین با آمریکا

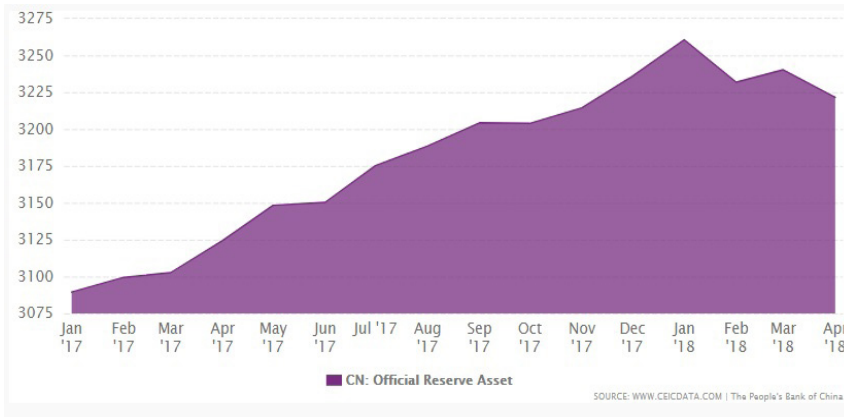
کشور چین که در سال ۲۰۱۷ اولین شریک تجاری آمریکا بود در سال ۲۰۱۹ به سومین شریک تجاری این کشور تبدیل شد. براساس گزارش خزانه‌داری ایالات متحده، واردات از چین که در سال ۲۰۱۸

چین به ایالات متحده منجر می‌شود و باعث از بین رفتن جذابیت کالاهای چینی می‌شود که در نتیجه آن صادرات چین به آمریکا کاهش می‌یابد و متعاقب آن حجم تجارت بین دو کشور کم می‌شود.



تصویر ۴. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی چین از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۴

www.SID.ir

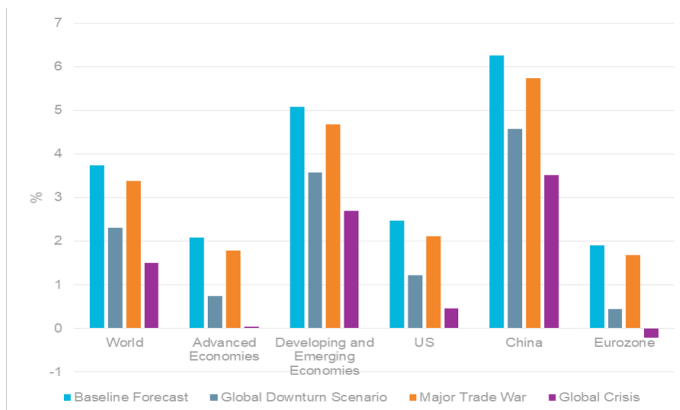


تصویر ۵. دارایی‌های ذخیره‌شده چین

در تجارت با ایالات متحده ۳۷۵/۲ میلیارد دلار مزاد تجاری داشته است؛ بنابراین وقتی که به خاطر تعرفه‌ها حجم تجارت کاهش می‌یابد، مزاد تجاری چین با آمریکا نیز سیر نزولی پیدا می‌کند. طبق داده‌های گمرک، مزاد چین در سال ۲۰۱۸ حدود ۳۲۳/۳ میلیارد دلار بوده که با کاهش ۸/۵ درصد در ۲۰۱۹ به ۲۹۵/۸ میلیارد دلار تبدیل شده است (The Business Times, 2020).

حدود ۶۶۰ میلیارد دلار بود، در ماه دسامبر ۲۰۱۹ به حدود ۴۷۰ میلیارد دلار کاهش یافت. صادرات به چین نیز از ۱۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ به ۸۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ کاهش یافته است. (تصویر شماره ۳) (Buchholz, 2019).

– کاهش مزاد تجاری: داده‌های وزارت بازرگانی ایالات متحده نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۷ چین



تصویر ۶. نرخ رشد تجارت جهانی

تجهیزات حمل و نقل در ایالات متحده، تجهیزات الکترونیکی، ماشین‌آلات و سایر تولیدات در چین (تصویر شماره ۶) (Kapustina et al., 2020).

- ایجاد دو بلوک اقتصادی و دوقطبی شدن اقتصاد جهانی: همان‌طور که بیان شد جنگ تجاری بین چین و ایالات متحده، اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار داده است و جهانی شدن را تهدید می‌کند. تلاش‌های ایالات متحده برای جدا کردن خود و هم‌پیمانانش از چین ممکن است منجر به تجزیه اقتصاد جهانی به دو بلوک بزرگ اقتصادی با محوریت ایالات متحده و چین شود (Kwan, 2020).

با نزدیک شدن به انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا ممکن است آتش‌بس تجاری بین بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان قریب‌الوقوع باشد، اما هر معامله‌ای به احتمال زیاد از تشدید بیشتر در تنش‌های تعرفه‌ای جلوگیری می‌کند نه اینکه اساساً اختلافات دوجانبه را برطرف کند. بعید است که چین به درخواست‌های ایالات متحده برای اصلاح ساختار اقتصادی داخلی خود جامه عمل بپوشاند یا از تلاش خود برای رهبری فناوری جهانی چشم‌پوشی کند. از طرف دیگر واشنگتن نیز به دلیل آنکه چین را رقیب استراتژیک خود می‌داند از سیاست‌های تجاری خود عدول نمی‌کند. نهایتاً در صورت تداوم و تشدید این وضعیت جهان شاهد دو بلوک اقتصادی خواهد بود.

۲-۶. سناریوهای آینده روابط دو کشور

چهار سناریو برای آینده روابط جنگ دو کشور آمریکا و چین متصور است که در ذیل به شرح آن‌ها می‌پردازیم:

- کاهش تولید ناخالص داخلی: داده‌های صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که کل تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۱۷، ۱۲۰۱۴/۶ میلیارد دلار (حدود ۶/۸ درصد) بوده است. این بدان معنی است که جنگ تجاری باعث شده تولید ناخالص داخلی چین کاهش یابد. پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که روند کاهش تولید ناخالص داخلی چین در سال‌های آینده نیز ادامه دارد (تصویر شماره ۴) (Statista, 2020).

- کاهش دارایی‌های ذخیره‌شده چین: بر اساس آخرین داده‌ها، ارزش کل دارایی‌های ذخیره‌شده چین در سپتامبر ۲۰۱۸ به زیر ۳۲۰۰ میلیارد دلار آمریکا رسیده است که پایین‌ترین رقم نسبت به ژوئیه ۲۰۱۷ است (تصویر شماره ۵).

۲-۵. اقتصاد جهانی

- کاهش نرخ رشد تجارت جهانی و در نتیجه رکود جهانی به جای همگرایی اقتصادی جهانی: به دلیل افزایش تنش‌های تجاری و عدم اطمینان اقتصادی، از یک طرف سازمان تجارت جهانی هشدار داد که رشد تجارت جهانی در حال کاهش است حتی در شرایط نامطلوب، جنگ تجاری می‌تواند رکود جدی اقتصاد جهانی را در سال‌های بعد دامن بزند. از طرف دیگر تحلیلگران بانک جهانی نیز می‌گویند: تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که افزایش تعرفه ایالات متحده و چین می‌تواند صادرات جهانی را تا ۳ درصد (۶۷۴ میلیارد دلار) و درآمد جهانی تا ۱/۷ درصد (۱/۴ تریلیون دلار) کاهش دهد. بیشترین کاهش درآمدها مربوط به چین و ایالات متحده به ترتیب با ۳/۵ درصد (۴۲۶ میلیارد دلار) و ۱/۶ درصد (۳۱۳ میلیارد دلار) ثبت شده است. بخش‌هایی که بیشترین تأثیر را شامل می‌شوند عبارت‌اند از: کشاورزی، مواد شیمیایی،

۲-۱-۶. رسیدن به توافق و بازگشت به همکاری

در این سناریو، ایالات متحده و چین به توافق تجاری دست می‌یابند. هر دو موافقت می‌کنند که تعرفه‌ها را کنار گذاشته و از تصویب تعرفه‌های جدید جلوگیری کنند. همچنین دو طرف از تهدیدهای تجاری امتناع می‌کنند و گروه‌های کاری برای خنثی کردن حوزه‌های اصطکاک احتمالی در موارد صنعتی، حقوق مالکیت معنوی، موضوعات اجتماعی و سیاسی و امور نظامی تشکیل می‌دهند.

صلح عمیق و گرم بین قدرت‌های بزرگ در تاریخ نادر است، اما صلح سرد یا معاهده ایالات متحده و چین یک امر واقع‌بینانه است. با وجود رقابت بین دو کشور، آن‌ها شرکای استراتژیک باقی می‌مانند. در این صورت تولید ناخالص داخلی در هر دو کشور شروع به رشد می‌کند. در نتیجه بهبود وضعیت اقتصاد جهانی که در سال ۲۰۱۷ و اوایل سال ۲۰۱۸ مشهود بود، از سر گرفته می‌شود. در این سناریو چشم‌انداز رشد جهانی بر اساس برآورد صندوق بین‌المللی پول ۴ درصد یا حتی بالاتر خواهد رفت (Steinbock, 2018).

۲-۲-۲. تداوم جنگ تجاری بین دو کشور

در این سناریو هیچ‌کدام از طرفین موافقت خود را برای ترک تعرفه‌ها اعلام نمی‌کنند. هر دو تهدیدات تجاری را تجدید می‌کنند. مذاکرات طولانی شکست می‌خورد و یا منجر به اصطکاک‌ها و تنش‌های جدید می‌شود. عدم اطمینان‌های دو کشور نسبت به هم افزایش می‌یابد و نوسانات بازمی‌گردد. چشم‌اندازهای رشد اقتصاد جهانی کاهش بیشتری پیدا می‌کند. بازارها راکد یا حتی فرومی‌ریزند. در این سناریو نه آتش‌بس و نه دیپلماسی هیچ‌کدام پیروز نمی‌شوند؛ در نتیجه چشم‌انداز رشد جهانی و تولید ناخالص داخلی

جهان کاهش می‌یابد و بر اساس برآوردها حتی در سال‌های بعد تا ۳ درصد یا بیشتر شاهد کاهش رشد در اقتصاد جهانی هستیم (Kapustina et al., 2020).

۲-۳-۲. جنگ تجاری جهانی به جای دوجانبه

در این سناریو اگر ایالات متحده و چین نتوانستند در مورد توافق‌نامه تجاری به نتیجه برسند، تعرفه‌های جدید تصویب می‌شود و تهدیدات جدید تجاری اعلام می‌شود. کاخ سفید تهدیدات علیه صنایع چین را تشدید و کشورهای متحد خود را ترغیب به تحریم چین می‌کند. در این شرایط تولید ناخالص داخلی در ایالات متحده ضربه بسیار جدی می‌خورد و رشد چین روند فرسایشی پیدا می‌کند؛ در نتیجه رکود بزرگ جهانی در سراسر جهان رخ می‌دهد که چشم‌انداز جهانی تولید ناخالص داخلی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. پیش‌بینی می‌شود که رشد اقتصاد جهانی برای سال‌های آینده به ۲ تا ۲/۵ درصد کاهش می‌یابد و باعث می‌شود تجارت و سرمایه‌گذاری‌های جهانی دچار افت‌وخیز شود و همچنین یکسری درگیری‌های جدید ژئوپلیتیکی به وجود آید (International Monetary Fund, 2018).

۲-۴-۲. تشدید جنگ تجاری و تبدیل آن به جنگ

جهانی سوم

یک جنگ تجاری می‌تواند از مرحله سرد به گرم تبدیل شود. درگیری تجاری بین چین و ایالات متحده ماهیت پیچیده‌ای دارد و نمی‌توان آن را به راحتی برطرف کرد؛ زیرا با رقابت برای سلطه اقتصاد جهانی در ارتباط است (Smirnov, 2019). ایالات متحده در فضای مجازی یک مزیت اساسی دارد و درصدد استعمار دیجیتال^{۱۲} اقتصاد جهانی است. به گفته

12. Digitally colonize

ببرد تا بتواند موقعیت فعلی خود را حفظ کند، سیاست مهار است که جنگ تجاری علیه چین در این چارچوب قابل تحلیل است. تحلیل ریشه‌های جنگ تجاری که بر اساس داده‌های آماری به دست آمده است به‌وضوح بیانگر تلاش آمریکا برای جبران کسری تجاری و ابقای موقعیت تسلط خود بر اقتصاد جهانی است. همان‌گونه که در این مقاله استدلال شد، تداوم این روند به خاطر ماهیت هزارتوی آن تأثیر چشمگیری بر چین، آمریکا و حتی اقتصاد جهانی خواهد گذاشت؛ به گونه‌ای که به قول هانک پالسون، وزیر خزانه‌داری پیشین آمریکا پرده آهنین اقتصادی کشیده می‌شود و جهان را به دو بلوک تقسیم می‌کند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاق پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی نداشته است.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

اشمانو^{۱۳}: ایالات متحده با اقدامات خود نشان می‌دهد که آن‌ها آماده هستند تا هرگونه قرارداد و معاهدات ناخوشایند را به‌راحتی درون سطل زباله بریزند، سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی را نادیده بگیرند (همان‌طور که ترامپ با اقدام یک‌جانبه علیه چین قوانین سازمان تجارت جهانی را نقض کرد) و به خود حق انجام اقدامات نظامی یک‌جانبه را بدهند. این سناریو اکنون بعید به نظر می‌رسد (Savinov, Zele- (nuk, Taranovskaja, Orlova & Skurova, 2019).

۳. بحث و نتیجه‌گیری

امروزه مطابق با نظریه گذار قدرت، وقتی از رقابت و امکان انتقال و تحول قدرت در عرصه سیاست بین‌المللی صحبت می‌شود، از میان گزینه‌های موجود بی‌تردید از چین به عنوان کشوری که به دلیل بهره‌مندی از عناصر و توانمندی‌های بالقوه قدرت، از توانایی قابل توجهی جهت به چالش کشیدن هژمونی قدرت مسلط کنونی یعنی ایالات متحده برخوردار است، سخن به میان می‌آید. بنابراین طبیعی است که چین تحت حکومت شی جین‌پینگ که به دنبال تحقق سیاست رؤیای چینی یعنی دستیابی به رنسانس بزرگ ملت چین است با ایالات متحده تحت حکومت ترامپ که متعهد شده است اصل نخست آمریکا و احیای مجدد آمریکا را عملی کند، درگیر شود. همان‌طور که پروفیسور گراهام آلیسون^{۱۴} بیان می‌کند ایالات متحده و چین در روابط خود دچار دام توسیدید شده‌اند.

به باور نظریه‌پردازان گذار قدرت، یکی از استراتژی‌هایی که دولت مسلط فعلی یعنی آمریکا می‌تواند در برابر دولت چالشگر یعنی چین به کار

13. Ashmanov

14. Graham Allison

منابع فارسی

ارگانسکی، ا. ا. ک. (۱۳۴۸). *سیاست جهان* [ح. فرهودی، ترجمه فارسی]. چاپ ۲. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

References

- Amadeo, K. (2020). Trade wars and their effect on the economy and you. Retrieved from <https://www.thebalance.com/trade-wars-definition-how-it-affects-you-4159973>
- Buchholz, K. (2019). China's trade volume with U.S. slips in 2019. Retrieved from <https://www.statista.com/chart/20366/trade-volume-top-us-trade-partners/>
- Chong, T. T. L., & Li, X. (2019). Understanding China-US trade war: Causes, economic impact, and the worst-case scenario. Retrieved from https://www.igef.cuhk.edu.hk/igef_media/working-paper/IGEF/igef%20working%20paper%20no.%2071%20english%20version.pdf
- Ciuriak, D. (2018). The US-China trade war: Costs, causes, and potential responses by tier II powers. Retrieved from https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3302026 [DOI:10.2139/ssrn.3302026]
- Eaton, J., & Kortum, S. (2002). Technology, geography and trade. *Econometrica*, 70(5), 1741-79. [DOI:10.1111/1468-0262.00352]
- Elman, C., & Elman, M. F. (2003). *Progress in international relations theory: Appraising the field*. Cambridge, MA: The MIT Press. [DOI:10.7551/mitpress/5627.001.0001]
- Greenwood, A. (2019). US, China to suspend 15 Dec tariffs, US to cut other duties. Retrieved from <https://www.ics.com/explore/resources/news/2019/12/13/10453445/us-china-to-suspend-15-dec-tariffs-us-to-cut-other-duties>
- Guo, M., Lu, L., Sheng, L., & Yu, M. (2018). The day after tomorrow: Evaluating the burden of Trump's trade war. *Asian Economic Papers*, 17(1), 101-20. [DOI:10.1162/asep_a_00592]
- He, L., Lighthize, R., & Mnuchin, S. (2019). China, U.S. divided on tariff removal, purchase plans. Retrieved from <https://www.bloomberg.com/news/articles/2019-05-11/china-u-s-split-on-tariff-removal-purchase-amount-xinhua>
- Huang, Y. (2019). U.S.-China economic tensions: Origins and global implications. *China International Strategy Review*, 1, 127-38. [DOI:10.1007/s42533-019-00002-1]
- Iqbal Khan, N. (2019). Global trade war and its impact on trade and growth: War between USA", China and EU. *International Journal of Innovative Technology and Exploring Engineering*, 8(8), 934-42. <https://www.ijitee.org/wp-content/uploads/papers/v8i8/G5629058719.pdf>
- International Monetary Fund. (2018). *World economic outlook, October 2018: Challenges to steady growth*. Washington, DC: International Monetary Fund. <https://books.google.com/books?id=iZJQvwEACAAJ&dq>
- Kapuština, L., Lipková, L., Silin, Y., & Drevalov, A. (2020). US-China trade war: Causes and outcomes. *SHS Web of Conferences*, 73, 01012. [DOI:10.1051/shsconf/20207301012]
- Kashyap, U., & Bothra, N. (2019). Sino-US trade and trade war. *Management and Economics Research Journal*, 5(S4), 1-12. [DOI:10.18639/MERJ.2019.879180]
- Kihara, L., & Kajimoto, T. (2019). Japan to limit foreign ownership of firms in its IT, telecom sectors. Retrieved from <https://www.reuters.com/article/us-japan-economy-regulation/japan-to-limit-foreign-ownership-of-firms-in-its-it-telecomsectors-idUSKCN1SX05F>
- Kwan, C. H. (2020). The China-US trade war: Deep-rooted causes, shifting focus and uncertain prospects. *Asian Economic Policy Review*, 15(1), 55-72. [DOI:10.1111/aep.r.12284]
- Lee, J. (2019). Did Thucydides believe in Thucydides' trap? The history of the peloponnesian war and its relevance to U.S.-China relations. *Journal of Chinese Political Science*, 24, 67-86. [DOI:10.1007/s11366-019-09607-0]
- Morell, M., & Kris, D. (2018). It's a not trade war with China. It's a tech war. Retrieved from Not Found Link
- Office of the United States Trade Representative. (2018a). President Trump announces strong actions to address China's unfair trade. Retrieved from <https://ustr.gov/about-us/policy-offices/press-office/press-releases/2018/march/president-trump-announces-strong>
- Office of the United States Trade Representative. (2018b). Findings of the investigation into China's acts, policies, and practices related to technology transfer, intellectual property, and innovation under section 301 of the trade act of 1974. Retrieved from [https://ustr.gov/sites/default/files/Section 301 FINAL.PDF](https://ustr.gov/sites/default/files/Section%20301%20FINAL.PDF)
- Organski, A. F. K. (1969). *World politics* [H. Farhoodi, Persian Trans]. 2nd Ed. Tehran: Bongahe Tarjome va Nashre Ketab. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/873367>

- Qureshi, A. F. (2019). The world trade organization and the promotion of effective dispute resolution: In times of a trade war. In P. Quayle, & X. Gao (Eds.), *AIB yearbook of international law: International organizations and the promotion of effective dispute resolution* (pp. 145-159). Vol. 2. Leiden: Brill. [DOI:10.1163/9789004407411_011]
- Sachs, J. D. (2018). The war on Huawei. Retrieved from <https://www.project-syndicate.org/commentary/trump-war-on-huawei-meng-wanzhou-arrest-by-jeffrey-d-sachs-2018-12?barrier=accesspaylog>
- Savinov, Y. A., Zelenuk, A. N., Taranovskaja, E. V., Orlova, G. A., & Skurova, A.V. (2019). Increased protectionism in US trade policy. *Russian Foreign Economic Bulletin*, (1), 36-51.
- Smirnov, D. (2019). Can the West shut down our factories, banks and power plants with one click of a computer? Retrieved from <https://www.ural.kp.ru/daily/26992/4053140>
- Stafford Powell, A. J., School, J. A., & Hamilton, M. (2018). Commerce department terminates ZTE denial order issued April 15, 2018. Retrieved from <http://sanctions-news.bakermckenzie.com/commerce-department-terminates-zte-denial-order-issued-april-15-2018/>
- Statista. (2020). Growth rate of real Gross Domestic Product (GDP) in China from 2011 to 2019 with forecasts until 2021. Retrieved from <https://www.statista.com/statistics/263616/gross-domestic-product-gdp-growth-rate-in-china/>
- Steinbock, D. (2018). U.S.-China trade war and its global impacts. *China Quarterly of International Strategic Studies*, 4(4), 515-42. [DOI:10.1142/S2377740018500318]
- Swanson, A., & Bradsher, K. (2019). Trump threatens China with more tariffs ahead of final trade talks. Retrieved from <https://www.nytimes.com/2019/05/05/business/trump-tariffs-china-trade-talks.html>
- Tan, D. H. Y., & Chen, C. (2019). Modelling the economic impact of the Sino- US trade dispute: A global perspective. In Song, L., Zhou, Y., & Hurst, L. *The Chinese economic transformation: Views from young economists* (pp. 215-236). Canberra: ANU Press. <https://www.jstor.org/stable/j.ctvp7d4j8.18>
- The Business Times. (2020). China's trade surplus with US dropped 8.5% to US\$296b in 2019. Retrieved from <https://www.businesstimes.com.sg/government-economy/chinas-trade-surplus-with-us-dropped-85-to-us296b-in-2019>
- The White House. (2017). National security strategy of the United States of America. Retrieved from <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2017/12/NSS-Final-12-18-2017-0905.pdf>
- Xin, Z. (2018). Xi Jinping and Donald Trump agree to trade truce, no additional tariffs, China state media says. Retrieved from <https://www.scmp.com/news/china/diplomacy/article/2175984/xi-jinping-says-cooperation-best-choice-both-sides-dinner>
- Yu, M. (2019). Introduction to the special issue on understanding the current China-U.S. 'trade war'. *China Economic Journal*, 12(2), 97-9. [DOI:10.1080/17538963.2019.1616919]
- Zhang, C., & Pu, X. (2019). Introduction: Can America and China escape the Thucydides trap? *Journal of Chinese Political Science*, 24, 1-9. [DOI:10.1007/s11366-019-09609-y]